

The study of the impact of the disincentive factors and strategies for using social networks on the teaching and the effective learning

Hassan Saemi, Kourosh Fathi Vajargah, Mohammad Attaran, Aahmad Ali Foroughi Abari

¹Ph.D. student of curriculum planning, Department of Educational Sciences, Isfahan (khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

²Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

³Associate Professor, Department of Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

⁴Associate Professor, Department of Educational Sciences, Isfahan (khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

عوامل بازدارنده و راهبردهای به کارگیری شبکه اجتماعی برای تدریس و یادگیری مؤثر در آموزش

حسن صائمی، کوروش فتحی واجارگاه^۱، محمد عطاران، احمدعلی

فروغی ابری

^۱دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد

اسلامی، اصفهان، ایران

استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

Considering the social networks, recognizing the most important obstacles in front of the teachers as well as achieving some strategies for using them in education were the chief aim of this study. The qualitative and the analysis of qualitative data methods, based on the grounded theory, have been used in this study. This theory is consisted of three main elements as: concepts, contents, and issues. Using purposive sampling, 54 documents were studied carefully and their significant points were noted down. According to the similarities, some codes were assigned to the similar cases. These codes, then, were used to discover the extracted issues. Depended on the sources and the documents, the primary category was determined. Establishing the relationship between the primary and the secondary category with related concepts, the grounded theory has been designed.

According to the theory obtained from the theoretical documents and the resources, some of the most important obstacles recognized as: lack of suitable technical facilities, lack of educational infrastructures, and inadequate knowledge of the teachers. Three strategies have been designed; among which acquiring the technical skills is the most important strategy and establishing dynamics interaction in teaching and cognitive skills related to the social networks are the second and the third ones, respectively. In the light of recognizing the obstacles and introducing the needed strategies, social networks can have a great impact on both teaching skills and learning.

Keywords: Education, Curriculum, Social networking strategies, Effective learning

هدف از این پژوهش، شناخت مهمترین موانع و تدوین راهبردهای برنامه درسی برای استفاده اساتید از شبکه اجتماعی در امر آموزش و یادگیری است. در این مطالعه از روش کیفی و شیوه تحلیل داده‌های کیفی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای استفاده شد. نظریه زمینه‌ای سه عنصر اصلی دارد که عبارتند از مفاهیم، مضامین و مقولات و محور اصلی روش نظریه زمینه‌ای به شمار می‌رود. در این پژوهش ۵۴ سند با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند به دقت مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و نکات کلیدی آنها یادداشت برداری شد. سپس بر اساس تشابهات، کدهایی به موارد مشابه اختصاص پیدا کرد و کدهای اختصاص داده شده در کشف مقوله‌های استنتاج شده استفاده گردید. با اتکا به منابع و اسناد، مقوله محوری تعیین و از طریق برقراری ارتباط میان مقوله محوری و مقوله‌های فرعی و مفاهیم مرتبط نظریه زمینه‌ای تدوین و طراحی شد. بر مبنای نظریه که از اسناد و منابع نظری به دست آمد، مهمترین موانع به ترتیب اهمیت، نبود امکانات فنی مناسب، عدم زیر ساخت‌های آموزشی و شناخت ناکافی اساتید به دست آمد و مبتنی بر آن راهبردهای سه گانه‌ای تدوین شد که از میان این راهبردها کسب مهارت‌های فنی مهمترین راهبرد و برقراری تعامل پویا در تدریس و مهارت‌های شناختی مرتبط با شبکه اجتماعی در اولویت دوم و سوم قرار داشت. در پرتو شناسایی موانع و راهبردهای به کار گیری شبکه اجتماعی در آموزش می‌توان به بهبود مهارت‌های تدریس و یادگیری دست یافت.

واژگان کلیدی: آموزش، برنامه درسی، راهبردهای شبکه اجتماعی،

یادگیری مؤثر

مقدمه

امروزه اینترنت نقش بزرگ و فزاینده‌ای در زندگی اجتماعی افراد و همچنین در زندگی علمی آنها ایفا می‌کند. (Crook, 2008 Harrison &). وب ۲ است که اشاره به سایت‌های شبکه‌های اجتماعی دارد و تأکید این شبکه‌ها بر همکاری و مشارکت بر خط بین کاربران است (Anonymous, 2007). برخی افراد شبکه اجتماعی را با عنوان سایت‌های بر خط (online) تعریف می‌کنند که کاربران می‌توانند از طریق آن پروفایل‌هایی را ایجاد کنند و با دیگران برای دلایل شخصی (personal) یا حرفه‌ای (professional) ارتباط برقرار کنند. شبکه‌های اجتماعی جوامع اینترنتی عضو محور هستند که به کاربرانشان اجازه پست کردن اطلاعات و پروفایل‌های شخصیشان را مانند نام کاربری، عکس، اطلاعات و همچنین اجازه برقراری ارتباط با توجه به شیوه‌های نوآورانه مثل فرستادن بر خط پیام‌های خصوصی یا عمومی یا تبادل آنلاین عکس‌ها و اطلاعاتشان را می‌دهد. (Tiffany, 2009) مطالعات اخیر کاربرد جوانان از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. بر پایه این گزارشات استفاده از این شبکه‌ها در حال گسترش است (Ofcom, 2008 & Taylor & Keeter, 2009; McGlynn, 2009; Sylvester, 2010; Wildbit, 2005).

این شبکه‌ها امکانات زیادی را برای پرورش اجتماعی شدن و وابستگی فراهم می‌کنند و به نظر می‌رسد که بر سطوح اجتماعی کاربران تأثیر واقعی می‌گذارند. شبکه اجتماعی ابزارهای یادگیری ارزشمندی هستند، زیرا آنها یادگیرندگان را برای ایجاد، انتشار و اشتراک گذاری کارهایشان قادر می‌سازد. همچنین شبکه اجتماعی می‌تواند تعامل و همکاری یادگیرنده را تسهیل کند (Selwyn, 2008).

یکی از ویژگی‌های متمایز شبکه‌های اجتماعی این است که آنها فرصت‌هایی را برای حمایت کردن از ساختارهای اجتماعی دانش در درون و بین افراد فراهم می‌کند.

از نظر پتیناتی (Pettenati, 2006)، ویژگی‌های شبکه اجتماعی شامل موارد زیر است:
هدف (goal): رابطه مبتنی بر علایق فردی، بحث کردن، مواجه شدن با موضوعات خاص، کثرت و ناهمگنی علایق و انگیزه‌ها
تعلق داشتن (belonging): انگیزه خودانگیختگی و استقلال

زمان (duration): زمان به صورت نامحدود است. به هم پیوستگی و عوامل اختیار دهنده (cohesion and enabling factors) سطح بالای اعتماد، احساس مسؤلیت، مهارت‌های تکنولوژیک سطح بالا، انتشار یا توزیع و ارزشیابی (Pettenati, 2006 & Ranieri).

هدف از شبکه‌های اجتماعی کمک به بهبود و تسهیل روابط، همکاری، و تعامل بین افراد، سازمان‌ها و مؤسسات در موضوعات گوناگون مانند تجارت، پزشکی، آموزشی و ... است. با توجه به رشد چشمگیر شبکه‌های اجتماعی و اضافه شدن صدها هزار کاربر جدید به این شبکه‌ها (Vara, 2007)، جامعه آموزشی در برنامه درسی کلاس خود به علت این که شبکه‌های اجتماعی با مسائل ایمنی و شخصی دانشجویان ارتباط دارد، به ندرت تکنولوژی شبکه اجتماعی را انتخاب می‌کنند. امروزه اغلب مربیان به دلیل این که این شبکه‌ها با یادگیری دانشجویان تناسب و هماهنگی ندارد، در استفاده از آن تردید دارند (Holcomb, Lori, Brady, Kevin, 2010). Smit & دانشجویان و اساتید در قرن ۲۱ بهتر است انواع مهارت‌هایی مانند شبکه اجتماعی و وب ۲ را یاد بگیرند. استادان باید برای آموزش و راهنمایی مؤثر دانشجویان در یادگیری از این ابزارهای جدید استفاده کنند. برخی از نمونه‌های منتشر شده از آزمایش‌های موفق در پیشینه ادبی شبکه‌های اجتماعی وجود دارد (Ajjan & Hartshorne, 2008) به طور کلی فرض می‌شود که این گزارشات مثبت رضایت کافی را برای انتخاب شبکه اجتماعی در آموزش را فراهم می‌کند و گرایش دانشگاه‌ها به شبکه‌های اجتماعی و انتخاب آنها به عنوان یک مکانیسم ارتباطی و استفاده از قابلیت‌های آن برای پیشبرد توان آموزشی و پژوهشی آنها، استفاده از شبکه‌های اجتماعی در

نمی‌کردند. در این نظر سنجی مشخص شد که تقریباً ۱۰٪ از اعضای هیأت علمی وبلاگ‌های شخصی دارند. همچنین طبق گزارش‌ها ریزون (Horizon report, 2007) که از اساتید در مورد شبکه‌های اجتماعی نظر سنجی کرده بود، آنها بیان کردند با توجه به رشد غیر قابل انکار علاقه به نرم افزارهای اجتماعی هنوز نرم افزارهای اجتماعی به ندرت در کلاس‌های دانشکده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در پژوهشی دیگر که توسط شارع پور (Sharepor, 2007) با عنوان «نقش شبکه‌های اجتماعی در باز تولید نابرابری آموزشی» انجام گرفت، به این نتیجه رسید که تحلیل شبکه اجتماعی با بررسی الگوهای رابطه‌ای، منابع موجود در شبکه دانش‌آموز و میزان پیوند او با عاملان نهادی را تعیین کرد. این اطلاعات می‌تواند در تبیین نابرابری آموزشی بین گروه‌های مختلف دانش‌آموزی کمک مؤثری باشد. زیرا توزیع نابرابر سرمایه اجتماعی در بین گروه‌های مختلف می‌تواند سبب بازتولید نابرابری‌های اجتماعی از جمله نابرابری آموزشی در میان دانش‌آموزان شود. با توجه به مطالب فوق و اهمیت شبکه‌های اجتماعی و عدم آشنایی و استفاده کافی اساتید، دانشجویان و دانشگاهیان از این فناوری، باید طرح و راهبردهایی برای استفاده آنها از این شبکه‌ها در زمینه‌های آموزشی، پژوهش و یادگیری ایجاد نمود.

روش پژوهش

هدف اساسی این مطالعه، تدوین الگوی نظری شبکه اجتماعی در آموزش و بررسی موانع و راهبردهای مبتنی بر آن در آموزش است. این مسأله از طریق روش نظریه زمینه‌ای (grounded theory) می‌تواند تحقق پیدا کند. روش پژوهش نظریه زمینه‌ای که توسط گلاسر و استراس (Glaser & Strauss, 1967) معرفی شد، یک روش‌شناسی استقرایی برای نظریه پردازی و نظریه گسترده است که تحقق این امر مستلزم گردآوری و تحلیل نظام‌مند و هم‌زمان داده است (Goulding, 2002; Newman, 1997) با توجه به توضیحات بالا، مراحل فرعی شکل‌گیری نظریه در پژوهش حاضر به شکل زیر است:

توسعه آموزش و دانش را تبدیل به یک ضرورت کرده است. سایت‌های شبکه اجتماعی می‌توانند ابزارهای مفید و مؤثری باشند و باعث تحول و دگرگونی اساسی در حوزه آموزش شوند به شرط آنکه توانایی کنترل آنها در جهت نیازهای دانشی و علمی، وجود داشته باشد (Jalal & Zaidieh, 2012) با توجه به جایگاهی که شبکه‌های اجتماعی در آموزش دارند، تأثیر و کارآمدی‌های اینترنت برای یادگیری از راه دور، از آغاز در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفت که به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود: پژوهش تیفانی که در جهت پاسخ‌گویی به این سؤال که چرا دانشجویان کالج از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و چگونه آنها با این شبکه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند؟ آنها بیان کردند که اغلب برای تعاملات اجتماعی و عمدتاً برای ارتباط برقرار کردن با دانشجویانی که از قبل با آنها ارتباط داشتند، استفاده می‌شود ولی بعد از اتمام دروسشان روابطشان با هم قطع شده بود. در یک بررسی دیگر که از دانشجویان کالج در آمریکا انجام گرفت، نتایج نشان داد که سایت‌های شبکه‌های اجتماعی برای تعامل اجتماعی با آشنایانی که با هم قطع ارتباط کرده بودند، استفاده می‌شوند و هدفشان به جای پیدا کردن دوستان جدید حفظ و نگهداری دوستان قدیمشان بود (Ellison, Steinfeld & Lampe, 2007). در بررسی دیگری که بر روی دانشجویان دانشگاه انجام گرفت، آنها بیان کردند که عمدتاً از این شبکه‌ها برای تماس برقرار کردن با دوستانشان استفاده می‌کنند که به ندرت می‌توانند آنها را ببینند. (Lenhart & Madden, 2007) انتشارات تامسون (Thompson, 1991) یک نظر سنجی را در سال ۲۰۰۷ با ۶۷۷ استاد انجام داد، اکثریت این اساتید بیش از ۱۰ سال در کالج‌ها و دانشگاه‌ها در موضوعاتی مانند علوم انسانی یا علوم اجتماعی، تجارت، اقتصاد سال سابقه تدریس داشتند. نتایج این بررسی نشان داد که قریب ۵۰٪ از پاسخ‌های اعضای هیأت علمی بیان کننده این بود که از طریق تکنولوژی‌های جدیدی شیوه‌های یادگیری دانشجویان تغییر خواهد کرد. ۹۰٪ اعضای هیأت علمی پاسخ دادند که با سایت‌های شبکه‌های اجتماعی آشنایی داشتن، ولی بیان کردند که از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی برای کارهای شخصی و اهداف کاریشان استفاده

انتخاب شد. این حجم نمونه پژوهش از طریق نمونه‌گیری نظری (theoretical sampling) تعیین شد که معمول‌ترین روش نمونه‌گیری در روش پژوهش نظریه زمینه‌ای است. نمونه‌گیری نظری فرایند گردآوری داده‌ها برای تولید نظریه است که به وسیله آن تحلیل‌گر داده‌های خود را هم‌زمان گردآوری، کدگذاری و تحلیل کرده، در مورد داده‌هایی که بعداً گردآوری می‌شوند و همچنین محل یافتن آنها تصمیم می‌گیرد تا نظریه خود را آنچنان که خودش ظهور می‌یابد، گسترش دهد. فرایند نمونه‌گیری نظری تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که هیچ ویژگی تازه‌ای ظهور نکند. بدین معنا که هر وقت محقق در حین گردآوری داده‌ها با استفاده از نمونه‌گیر نظری به این نتیجه رسد که مفاهیم و مقوله‌های جدیدی در یافته‌ها وجود نداشته است و پاسخ‌های داده شده به سؤالات تحقیق یکسان هستند، عملیات گردآوری داده‌ها را متوقف می‌سازد. سپس جهت تحلیل داده‌ها از میان روش‌های مختلف گردآوری اطلاعات در نظریه زمینه‌ای، از روش تحلیل اسنادی برای تدوین الگوی نظری به کارگیری شبکه اجتماعی و تدوین راهبردهای برنامه درسی مبتنی بر آن، استفاده شده است. انتخاب این شیوه گردآوری اطلاعات به این دلیل است که از یک سو، منابع منتشر شده تا اندازه زیادی منعکس کننده تجارب و دیدگاه‌های نویسندگان آنها هستند و از سوی دیگر، این منابع بسیار دقیق و منظم جهت نشر و توزیع به نگارش در آمده‌اند. در واقع، نویسندگان منابع منتشر شده، شرکت کنندگان در پژوهش حاضر هستند.

روش اصلی برای جمع‌آوری داده‌ها در این مطالعه تحلیل اسناد بود که هر سند مورد کدگذاری و تحلیل اولیه قرار گرفت. برای تأمین روایی و پایایی مطالعه از روش ارزیابی لینکولن و گوبا (Lincoln & Guba, 1985) که معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی است استفاده گردید. بدین منظور، بر پایه این روش، ۴ معیار، موثق بودن و اعتبار باور پذیری، انتقال پذیری، اطمینان پذیری و تأیید پذیری جهت ارزیابی در نظر گرفته شد. برای دستیابی به هریک از این معیارها، کارهای زیر انجام گرفت.

اعتبار: صرف زمان کافی برای پژوهش، تأیید داده‌های و فرایند پژوهش توسط چند متخصص

الف) انتخاب و خلق مقوله محوری یا کنونی از میان مقوله‌های استخراج شده در مرحله استخراج مقوله‌ها
ب) برقراری پیوند بین مقوله‌ها یا مضامین فرعی با مقوله محوری یا مضمون محوری. در این مرحله مقوله‌های فرعی استنباط شده در مرحله استخراج مقوله‌ها به مقوله اصلی پیوند داده می‌شود.

ج) طراحی الگوی نظری شبکه اجتماعی در آموزش از طریق پیوند بین مقوله کنونی و سایر مقوله‌ها، مضامین و مفاهیم استنتاج شده به صورت یکپارچه

پژوهشگران نظریه زمینه‌ای می‌توانند از نرم افزارهای مناسب تحلیل داده‌های کیفی نیز برای تسهیل فرایند کدگذاری داده‌های خود بهره گیرند. در حال حاضر چندین برنامه رایانه‌ای برای تحلیل داده‌های کیفی وجود دارد که از میان نرم افزارهای مختلف، ان - ویوو (Nvivo) جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. اما نکته‌ای که باید بدان اشاره شود، این است که نرم افزارهای تحلیل داده‌های کیفی، تنها در ساده سازی فرایند تحلیل و دسته بندی اطلاعات به پژوهشگر کمک می‌کنند. از این رو می‌توان آن را را نرم افزار کمک تحلیل داده‌های کیفی (aided qualitative data analysis software) برای این پژوهش نامید. با توجه به آن، در مرحله اول انجام این پژوهش با استفاده از یادداشتهای میدانی، اسناد و مدارک، مجله‌ها و فصلنامه‌ها و ادبیات تحقیق برای تولید داده‌ها استفاده شده، سپس در تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. این مراحل در نهایت به پژوهشگر کمک نموده است تا به نظریه برخاسته از زمینه جهت به کارگیری شبکه‌های اجتماعی در تدریس دست یابد.

این جامعه از طریق جستجوی چند پایگاه اطلاعات علمی (Eric, Proquest, Elsevier, Springer, Amazon) بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ شناسایی گردید که تعداد ۵۴ سند به عنوان اسناد منتخب پژوهش انتخاب شد که در این میان ۵۰ اثر، خارجی و ۴ اثر، داخلی بود که با نمونه‌گیری هدفمند و با توجه به میزان ارتباط آنها با موضوع انتخاب شدند. پس از تحلیل و با رسیدن به حد اشباع ۱۸ اثر شامل ۱۷ اثر خارجی و ۱ اثر داخلی به عنوان نمونه پژوهش

در این پژوهش، نظریه برخاسته از داده برنامه درسی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی از طریق توصیف مقوله‌ها، عناصر تشکیل دهنده آنها و ارتباط میان آنها مشخص می‌گردد. در این نظریه، بر اهمیت شیوه‌های به کارگیری شبکه اجتماعی در کسب دانش و انجام پژوهش در نظام آموزشی تکیه می‌شود. از این رو، آنچه به عنوان نظریه برنامه درسی مبتنی بر شبکه اجتماعی در آموزش ارائه می‌شود، محصول گردآوری و تحلیل هم‌زمان داده‌هایی است که به اشکال مختلف به مطالعه نسبت ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی و تدریس مؤثر در آموزش پرداخته‌اند. نتیجه تحلیل داده‌ها به استخراج مقوله‌هایی سه گانه منجر شده است که عبارتند از: سازه‌ها، اصول و راهبردهای شکل دهنده به برنامه درسی مبتنی بر شبکه اجتماعی در آموزش، در واقع این نظریه مبتنی بر اصول حاکم بر تدریس مؤثر در نظام آموزشی بنا شده است. از این رو، در بخش مقوله سازه‌ها به دو بخش موانع و سازه‌های منطقی و نظری اشاره شده است. همچنین مقوله اصول با توجه به اصول حاکم بر شبکه اجتماعی جهت تدریس مؤثر به مضامین تعامل، تفکر و مهارت دسته بندی شده است که از خلال آن راهبردهای اصلی شکل دهنده به برنامه درسی مبتنی بر شبکه اجتماعی استنتاج شده است.

برای تحلیل داده‌های پژوهش از سه روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده گردید. این سه روش که در واقع مهمترین ابزارهای کدگذاری در تئوری زمینه‌ای است، به ما در تحلیل اطلاعات حاصل از اسناد و مدارک در زمینه برنامه درسی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی مجازی کمک می‌کند.

در طول کدگذاری باز هر متن، جمله یا ترکیبی از جملات که حاوی معنای واحدی باشند، واحد تحلیل است. این واحدها در واقع کدهایی هستند که یک ایده یا مفهوم خاصی را منعکس می‌کنند. در طی کدگذاری باز ۵۴ مفهوم به دست آمد که در طی کدگذاری مرحله دوم ۶ مفهوم دسته بندی شدند. سپس در کدگذاری گزینشی این مفاهیم در ارتباط با مقوله‌های محوری سازماندهی شدند یا در واقع تبدیل به مقوله‌هایی شدند که هدف اصلی پژوهش بودند. در این حالت برنامه درسی مبتنی بر شبکه اجتماعی در

انتقال پذیری: کسب نظر و تأیید چند متخصص که در پژوهش مشارکت نداشتند در مورد یافته‌های پژوهش اطمینان پذیری: ثبت و ضبط تمامی جزئیات پژوهش و یادداشت برداری در همه گام‌های تحقیق تأیید پذیری: مستندسازی و حفظ تمامی گام‌های پژوهش و مستندات در فرایند پژوهش تجزیه تحلیل داده‌ها با روش استراس و کوربین و هم‌زمان با جمع آوری داده‌ها صورت گرفت. در این روش، داده‌های کیفی به دست آمده از تحلیل اسناد به صورت دستی و با روش کدگذاری در سه مرحله کدگذاری باز، محور و گزینش مورد تحلیل قرار گرفتند. سپس در سطح کدگذاری باز پژوهشگر خط به خط داده‌ها را بازنگری و مفهوم‌های اصلی آن را استخراج نمود. دو شیوه کدگذاری در این مرحله عبارت بودند از: استفاده از زبان و واژگان مشاهده شده و نیز کدها و مفهوم‌های کلیدی که پژوهشگر بر پایه مفهوم‌های موجود در داده‌ها استخراج می‌کند. سپس با کدگذاری محوری، مفهوم‌هایی که از دل داده‌ها استخراج شده بودند، دسته بندی گردید و پیوند میان مفهوم‌های خام جدا از هم که در ظاهر نامرتب اما در نهان به هم وابسته بودند، برقرار شد.

بدین ترتیب کدهای اولیه به طبقه‌هایی کاهش داده شد و محورهای اصلی در مجموعه داده‌ها مشخص گردید. سپس برای اطمینان از جدا بودن طبقه‌ها از یکدیگر، هر دسته یا طبقه با دیگر طبقه‌ها مقایسه شد. به دنبال شناسایی طبقه‌ها، پژوهشگر در کدگذاری محوری در پی یافتن رابطه موجود میان طبقه‌ها، طبقه‌های فرعی و طبقه‌های اصلی برآمد و بعدها و ویژگی‌های هر یک از طبقه‌ها را مرتب نمود. در مرحله سوم از کدگذاری - که کدگذاری گزینشی نامیده می‌شود - با توجه به مفهوم‌ها و کدهای شناسایی شده گزینش نهایی صورت گرفت و پژوهشگر در پی یکپارچه سازی و خالص کردن تحلیل‌های خود برآمد. از سوی دیگر، یادداشت‌ها و یادآورنویسی‌ها که جزء مهمی از گام‌های پژوهش بودند، به تفصیل نوشته شدند.

یافته‌های پژوهش

دهند. جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که چگونه می‌توان قابلیت‌های فناوری‌های در حال ظهور را در جهت ایجاد محیطی هدایت کرد که بیشترین حمایت کننده چگونگی افراد باشد.

به کارگیری چنین مهارت‌هایی نیازمند افزایش دانش حرفه‌ای اساتید در زمینه به کارگیری شبکه‌های اجتماعی در تدریس یعنی طی مراحل مختلف تدریس اعم از تدوین محتوا، توزیع محتوا و ارزیابی آن در این شبکه‌ها است و در نهایت چگونگی به کارگیری امکانات شبکه برای ارائه درس با شیوه‌هایی متنوع و منطبق با اهداف آموزشی است.

مضمون دوم: جنبه‌های ارتباطی

تعامل در محیط آموزش الکترونیکی، یکی از عواملی است که متخصصان آموزش و پرورش را با چالش روبه‌رو ساخته است. چرا که بحث تعامل در محیط آموزش الکترونیکی، بسیار پیچیده‌تر از آموزش سنتی است. بدون تعامل، نه تنها یادگیرندگان انگیزه‌ای برای ادامه دوره در خود نمی‌بینند، بلکه یادگیری نیز به وقوع نمی‌پیوندد. بدین سبب فناوری‌های ارتباطات در تعلیم و تربیت مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند تا تعامل میان تمامی شرکت کنندگان در فعالیت‌های آموزشی را توسعه دهند (Shin & Lim, 2009). اما با این وجود، یافتن تعریفی روشن و دقیق از این مفهوم در ادبیات تعلیم و تربیت کار دشواری است.

در اغلب آثار تربیتی تعامل امری دو سویه تعریف شده است که حداقل به دو شی و به دو عمل نیاز دارد. تعامل زمانی اتفاق می‌افتد که این اشیاء و وقایع به صورت متقابل یکدیگر را تحت تأثیر قرار دهند که این امر در شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب به سهولت اتفاق می‌افتد (Boyd & Ellison, 2008).

تعامل امکان انجام دادن کارها و وظایف گوناگون در فعالیت‌های آموزشی در محیط مجازی فراهم می‌کند. وجود تعامل برای ایجاد جوامع یادگیری، اساسی و بنیادی است و به وسیله برخی نظریه پردازان تعلیم و تربیت که بر نقش

آموزش به سه مقوله تفکر منطقی، تعامل پویا و مهارت فنی مبتنی بر سه جنبه اساسی شبکه اجتماعی یعنی جنبه ارتباطی، فنی و شناختی، در زمینه برنامه درسی مبتنی بر شبکه اجتماعی در نظام آموزشی مرتبط شد.

مضمون اول: جنبه‌های فنی

وب، انبوهی از توانایی‌ها و قابلیت‌های نیرومند را برای مربیان فراهم می‌کند. امکانات آموزشی موجود با شیوه‌ها و ابزارهایی طراحی شده‌اند تا بر محدودیت‌های رسانه‌های قدیمی تر غلبه کنند و از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فناوری‌های جدید بهره‌برداری کرده، دسترسی گسترده‌ای به کمیت‌هایی از محتوا فراهم سازند. بنابراین شبکه جهانی گستر وب امکانات وسیعی برای عرضه آموزش فراهم می‌کند و تقریباً همه شکل‌ها و ابزار ارائه آموزش را که قبلاً استفاده می‌شده است، در خود می‌گنجانند. با این امید که بتواند جنبه‌هایی از تعامل چهره به چهره و غنی کلاس درس را نیز داشته باشد. همچنین ضروری‌ترین اجزای آموزش رسمی متشکل از تعامل بین چند عامل انسانی و سایر عوامل فعال است. بنابراین در این نظریه، شکل‌های گوناگون تعامل دانشجو با توجه به هزینه‌ها، محتوا، اهداف یادگیری، سهولت، فناوری و زمان در نظر گرفته شده است که می‌تواند جایگزین یکدیگر شوند. این جایگزینی‌ها باعث کاهش کیفیت یادگیری نمی‌شود (Garrison & Anderson, 2004). چالشی که اساتید و طراحان آموزشی به هنگام کار در زمینه یادگیری از طریق شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب با آن روبه‌رو می‌شوند ساختن محیط یادگیری است که به طور هم‌زمان یادگیری محور، محتوا محور، جامعه محور و ارزیابی محور باشد. رسانه بی‌نظیر و منفردی برای یادگیری از طریق شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب وجود ندارد و نیز فرمول ویژه‌ای وجود ندارد که نوع تعامل مفید را در همه حیطه‌های دانش و برای همه یادگیرندگان نشان دهد. در عوض اساتید باید بیاموزند تا مهارت‌هایشان را به گونه‌ای توسعه دهند تا با تولید مجموعه‌ای از فعالیت‌های یادگیری از طریق شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب که قابل سازگار شدن با نیازهای گوناگون دانشجویان است، بتوانند به نیازهای دانشجویان و برنامه درسی پاسخ

را در برگیرد. بنابراین به کارگیری الگوی الکترونیکی، نیازمند تصمیم‌گیری‌های مهم به وسیله اساتید و طراحان است. عامل مهم در تصمیم‌گیری، بر اساس ماهیت یادگیری تجویزی است. پرنسکی (Pernsky, 2001) استدلال می‌کند که بازده‌های گوناگون یادگیری از طریق انواع خاصی از فعالیت‌های یادگیری بهتر آموخته می‌شوند. او نمی‌پرسد «دانشجویان چگونه یاد می‌گیرند؟» بلکه به شکل ویژه‌ای می‌پرسد چگونه دانشجویان یاد می‌گیرند که چه چیزی را بیاموزند؟ پرنسکی (Pernsky, 2009) اظهار می‌دارد که شکل‌ها و سبک‌هایی از بازی‌ها وجود دارد که به صورت الکترونیکی یا غیر خطی، برای آسان‌سازی آموزش استفاده می‌شوند. به عنوان مثال، رفتارها را از طریق تقلید، بازخورد و تمرین؛ خلاقیت را از طریق بازی کردن؛ حقایق را از طریق تداعی، تمرین، تکرار، به خاطر سپاری؛ قضاوت را از طریق مرور موارد، پرسیدن سؤال‌ها، انتخاب کردن‌ها و نظریه‌ها را از طریق منطق، توضیح و سؤال کردن می‌آموزیم. هر یک از این فعالیت‌ها از طریق یادگیری از طریق شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب، با بهره‌گیری از فعالیت‌های جمعی الکترونیکی و فعالیت‌های یادگیری مستقل با حمایت رایانه انجام پذیر است. با دنبال کردن تعاملات مورد انتظار که از طریق این الگو برای یادگیرندگان فراهم می‌شود می‌توان با انجام برنامه ریزی اطمینان حاصل کرد که ترکیب مناسبی از تعامل دانشجوی، استاد و محتوا برای رسیدن به هر بازده یادگیری طراحی شده است.

مضمون سوم: جنبه‌های شناختی

ما در حال ورود به دوره‌ای هستیم که وب در حال تغییر از یک رسانه نمایش دهنده محتوا به محیط پر تعامل اجتماعی است که در آن محتوا از نعمت معنی شناختی برخوردار شده است (Bersin, 2008). در محیط‌های آموزشی دانشجویان از این فضا برای جستجوی هوشمندانه محتوای مناسب و برای رزرو کردن و ترتیب دادن ملاقات‌های مشارکتی، برای خاطر نشان کردن موعدهای مقرر و قرارها به دانشجویان و برای مذاکره کردن با دیگر دانشجویان برای مشارکت و یا اجتماعی شدن آنها استفاده خواهد شد. اساتید برای فراهم کردن آموزش‌های کمکی، نظارت بر

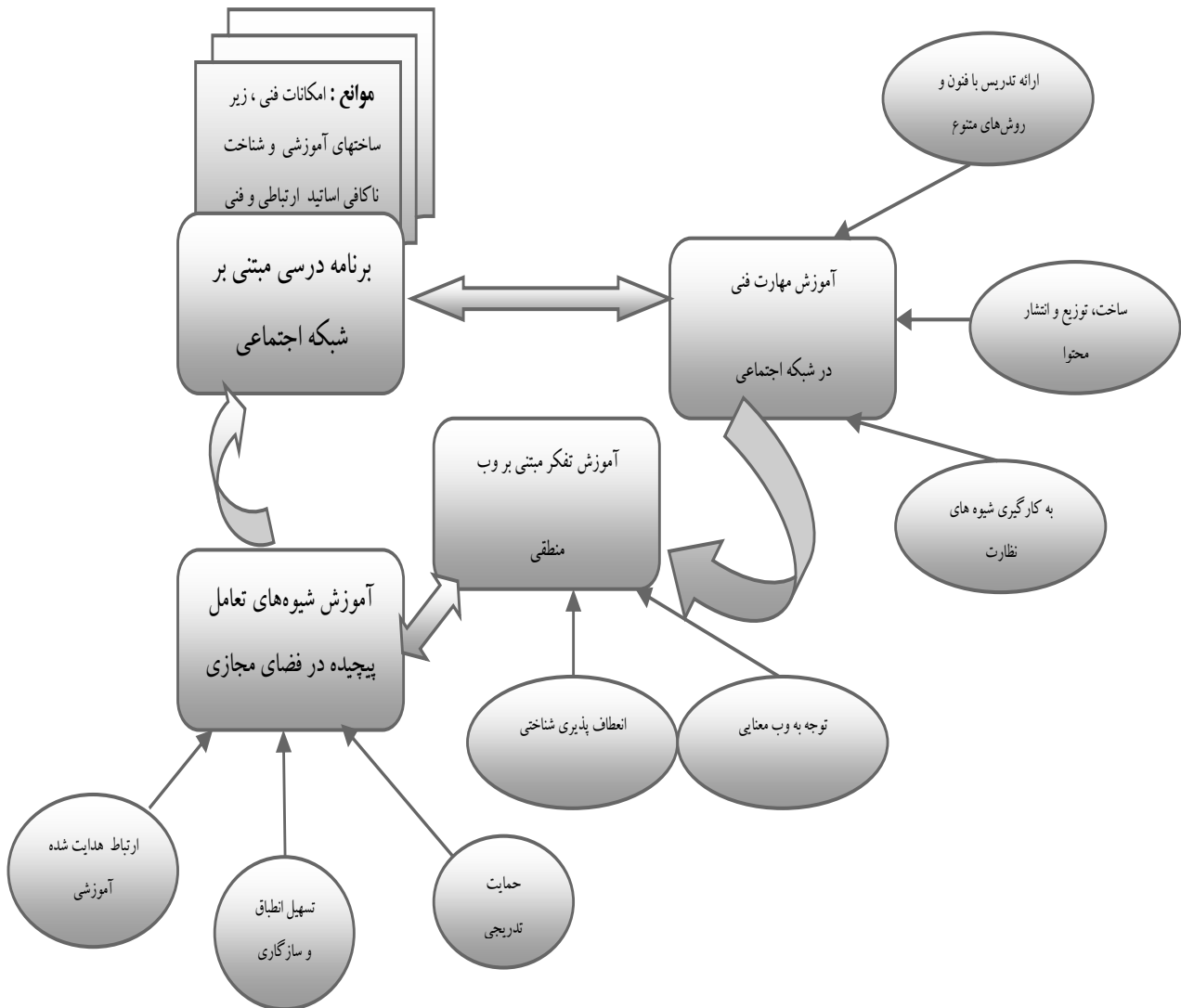
اساسی جامعه در یادگیری تمرکز کرده‌اند، حمایت می‌شود (Murray, 2008).

تعامل در آموزش از طریق شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب، حتی در سنتی ترین نوع آموزش یعنی مطالعه مستقل، ارزش گذاری شده است. شین و لیم (Shin & Lim, 2009) استدلال می‌کنند، تعامل انفرادی میان دانشجو و استاد خصوصی زمانی دارای برتری است که از طریق شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب حمایت شود و به صورت رودر رو صورت گیرد. همچنین شین و لیم ما را با ایده تعامل شبیه سازی شده برای الگوهای مطالعه مستقل با سبک نوشتاری مناسب در آموزش از طریق شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب آشنا می‌کنند، برنامه نویسی آنها «تعامل هدایت شده آموزشی» نام گرفته است. همچنین لوری لارد (Laurillard, 2003) الگوی مکالمه‌ای از یادگیری ساخته است که در آن تعامل میان استادان و دانشجویان نقش اساسی را بازی می‌کند. بتیس (Bates, 1997)، اظهار می‌کند که ملاک اولیه در انتخاب رسانه برای ارائه آموزش تعامل است. مطالعه و بازشناسی نقش کلیدی تعامل در حمایت و حتی تعریف و تعلیم و تربیت، تاریخی بس طولانی دارد. این بدین معنی است که شبکه جهان گستر وب فراهم کننده شکل‌های گوناگون تعامل است و امکانات این رسانه‌ها در حمایت از استقلال و عدم وابستگی (به زمان و مکان) و قابلیت آنها برای حمایت و پشتیبانی از تعامل شکل‌های ارتقا یافته ارتباطات، محدودیت بیشتری برای استقلال افراد ایجاد می‌کند. این شکل‌های گوناگون تعامل در آموزش با کمک وسیله حمایت می‌شوند. شخص می‌تواند از وب برای توسعه آموزش مبتنی بر کلاس استفاده کند. ظرفیت وب برای حمایت یادگیری بیش از حد وسیع است و گزینه‌های متعددی را در اختیار افراد قرار می‌دهد. همچنین تعامل می‌تواند به لحاظ عوامل شرکت کننده در آن توضیح داده شود. متداول‌ترین شکل تعامل سه گانه در آموزش از طریق شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب تعامل دانشجو - دانشجو، دانشجو - استاد و دانشجو - محتوا است (Moore & Benbasat, 1991). این فهرست توسط گریسون و اندرسون (Garrison & Anderson, 2004) گسترش پیدا کرد تا تعامل استاد - استاد، استاد - محتوا و محتوا

محتوا، بلکه فعالیت‌ها، زمینه یادگیری از طریق شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب محیط تجارب یادگیری را توصیف کنند. توانایی‌ها و شایستگی‌های وب معنایی اجازه می‌دهد که محیط یادگیری از طریق شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب با تعامل‌های دانشجو - دانشجو، دانشجو - محتوا و دانشجو - استاد غنی شود.

پیشرفت دانشجویان و حتی برای نمره‌گذاری و پاسخ دادن به ارتباطات دانشجویان استفاده خواهند کرد. محتوا می‌تواند از طریق عاملانی که حقوق کپی رایت و حق استفاده را کنترل و بررسی می‌کنند، به طور خودکار به روز شود و معانی محتوا را بهبود بخشند. همچنین وب معنایی، استفاده مجدد و انطباق محتوا را با حمایت از ساخت، توزیع و انتشار محتوا در قالب رقمی (دیجیتالی) پشتیبانی می‌کند. اخیراً حضور زبان‌های الگوسازی آموزشی به اساتید اجازه

می‌دهد، با زبانی که بر روی وب در دسترس است نه تنها شکل روی‌الگوی راهبردهای به کارگیری شبکه اجتماعی برای تدریس و یادگیری مؤثر در آموزش



جدول ۱ - مضامین و مفاهیم معرف مقوله سازه‌های زیر بنایی (کدگذاری باز و محوری)

مقوله‌ها	مضامین	مفاهیم	کدهای کلیدی
سازه‌های زیر بنا	سازه‌های منطقی و نظری	<p>۱ - نیاز اساتید جهت تدریس مؤثر (۷،۲۲،۵،۹،۱۳)</p> <p>۲ - امکان ارتباط دو طرفه (۱،۴،۸،۱۶،۸،۲)</p> <p>۳ - شبکه‌های اجتماعی جایگاه تعامل مؤثر (۱،۵،۶،۹،۱۲)</p> <p>۴ - نظارت مستمر و گسترده بر دانشجویان (۴،۸،۱۶،۸،۵)</p> <p>۵ - توسعه روز افزون شبکه‌های اجتماعی (۹،۱۳،۷،۲۲،۷)</p> <p>۶ - کاهش پراکندگی فاصله‌ای (۴،۸،۱۶،۸،۲۱)</p> <p>۷ - ثبات یادگیری از طریق شبکه‌های اجتماعی (۴،۶،۱۶،۸،۸)</p> <p>۸ - تئوری‌های مستحکم یادگیری (۴،۸،۱۶،۸،۴)</p> <p>۹ - اصول مشخص شبکه‌های اجتماعی (۱،۱۸،۱۶،۸،۱۰)</p> <p>۱۰- شبکه‌های اجتماعی محور فرایند یادگیری در نظام‌های آموزش عالی کنونی (۴،۸،۳،۷،۱۸)</p>	<p>۱ - نیاز اساتید جهت تدریس مؤثر (۷،۲۲،۵،۹،۱۳)</p> <p>۲ - امکان ارتباط دو طرفه (۱،۴،۸،۱۶،۸،۲)</p> <p>۳ - شبکه‌های اجتماعی جایگاه تعامل مؤثر (۱،۵،۶،۹،۱۲)</p> <p>۴ - نظارت مستمر و گسترده بر دانشجویان (۴،۸،۱۶،۸،۵)</p> <p>۵ - توسعه روز افزون شبکه‌های اجتماعی (۹،۱۳،۷،۲۲،۷)</p> <p>۶ - کاهش پراکندگی فاصله‌ای (۴،۸،۱۶،۸،۲۱)</p> <p>۷ - ثبات یادگیری از طریق شبکه‌های اجتماعی (۴،۶،۱۶،۸،۸)</p> <p>۸ - تئوری‌های مستحکم یادگیری (۴،۸،۱۶،۸،۴)</p> <p>۹ - اصول مشخص شبکه‌های اجتماعی (۱،۱۸،۱۶،۸،۱۰)</p> <p>۱۰- شبکه‌های اجتماعی محور فرایند یادگیری در نظام‌های آموزش عالی کنونی (۴،۸،۳،۷،۱۸)</p>
سازه‌های زیر بنا	واقعیت	<p>۱ - کمبود امکانات فنی مانع از استفاده آموزشی صحیح از شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب امکانات فنی است.</p> <p>۲ - عدم وجود زیر ساخت‌های آموزشی مناسب با شبکه‌های اجتماعی مانع از به کارگیری آنها در آموزش است.</p> <p>۳ - نگرش‌ها و آگاهی‌های منفی مانع از استفاده بهینه از شبکه‌های اجتماعی در تدریس از سوی اساتید است.</p>	<p>۱ - عدم وجود امکانات فنی همچون پهنای باند (۴،۱۴،۸،۱۶،۸)</p> <p>۲ - سرعت پایین اینترنت در مکان‌های آموزشی (۴،۶،۱۵،۸،۷)</p> <p>۳ - عدم زیر ساخت‌های آموزشی در راستای کسب استانداردهای آموزشی بالا (۴،۱۸،۹،۸،۹)</p> <p>۴ - شناخت ناکافی اساتید و نگرش‌های منفی موجود در زمینه شبکه‌های اجتماعی (۴،۸،۱،۱۲،۱۰)</p> <p>۵ - ساختارهای قانونی صحیح در زمینه شبکه‌های اجتماعی (۵،۸،۱۶،۶،۱۴)</p>

جدول ۲ - مضامین و مفاهیم استنتاج شده معرف اصول تدریس مبتنی بر شبکه اجتماعی (کدگذاری باز و محوری)

مقوله‌ها	مضامین	مفاهیم	کدهای کلیدی
اصول تدریس مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی	جنبه‌های ارتباطی	<ul style="list-style-type: none"> - به کارگیری شبکه‌های اجتماعی در آموزش بر تعامل استوار است. - آموزش فرایندی وابسته به ارتباط است. - آموزش و پژوهش در شبکه‌های اجتماعی بر تبادل تجارب با دیگران استوار می‌شود. 	<ul style="list-style-type: none"> ۱ - تعامل از طریق شبکه‌های اجتماعی در فرایند یادگیری (۴،۳) ۲ - پویایی ارتباطات شبکه‌ای (۱،۱۲،۶) ۳ - سهولت در بازنگری است (۸،۹) ۴ - کنترل زمان تدریس (۱۵) ۵ - اشتراک تجارب (۱۸،۱)
	جنبه‌های فنی	<ul style="list-style-type: none"> - به کارگیری شبکه‌های اجتماعی در آموزش نیازمند مهارت‌های فنی و رای مهارت‌های عمومی کاربری اینترنت است. - آشنایی با امکانات شبکه‌های اجتماعی منجر به استفاده بهینه از آنها می‌شود. 	<ul style="list-style-type: none"> ۱ - سهولت در دستیابی به منابع (۱۳) ۲ - افزایش کیفیت تدریس مؤثر (۲۸،۷) ۳ - گستردگی امکانات آموزشی شبکه‌های اجتماعی (۷،۴۸)
	جنبه‌های فلسفی	<ul style="list-style-type: none"> - نوع نگرش و شیوه تفکر درباره شبکه‌های اجتماعی منجر به استفاده بهینه از آنها می‌شود. 	<ul style="list-style-type: none"> ۱ - دستیابی به منابع روز (۴۸،۱،۱۲) ۲ - پرهیز از اشتباهات (۱،۹) ۳ - رعایت اصول اخلاقی در ارتباطات (۸،۱۲) ۴ - رعایت قوانین کاربردی در شبکه‌ها (۹،۵،۳)

جدول ۳ - قابلیت‌های محیط شبکه‌ای و ویژگی‌های «چگونگی یادگیری» افراد

چارچوب چگونگی یادگیری افراد	توانایی‌های فعلی وب	توانایی‌های وب معنایی
یادگیرنده محور	قابلیت برای حمایت فعالیت‌های انفرادی محور و جامعه محور	محتوایی که در پاسخ به الگوهای انفرادی و گروهی یادگیرنده تغییر می‌کند.
دانش محور	هدایت دسترسی به کتابخانه‌های محتوایی وسیع و فعالیت‌های یادگیری، سازماندهی برای دیدگاه‌های رشته‌ای متنوع	عاملانی برای انتخاب، فردی کردن و استفاده مجدد از محتوا
جامعه محور	شکل‌های هم‌زمان و غیر هم‌زمان، تعامل‌های فردی و گروهی (مشارکتی) در شکل‌های مختلف	عواملی برای ترجمه کردن، اصلاح مجدد، تغییر زمان، نظارت و خلاصه کردن تعامل‌های جامعه
ارزیابی محور	فرصت‌های تعویض مکان و زمان چندگانه برای ارزیابی تکوینی و نهایی توسط خود، هم‌تابان و اساتید	عواملی برای ارزیابی، نقادی کردن و فراهم کردن بازخورد به موقع

بحث و نتیجه گیری

ساختن نظریه مبتنی بر روش نظریه زمینه‌ای، ساختن الگویی است که در آن متغیرهای اصلی مشخص شده‌اند و روابط بین این متغیرها نشان داده شود. این الگو در برگزیده دو بازیگر اصلی (یادگیرندگان و استادان)، کنش‌های متقابل آنان با یکدیگر و با محتوا است. یادگیرندگان می‌توانند به طور مستقیم با محتوایی که به شکل‌های گوناگون بر روی وب می‌یابند، تعامل برقرار کنند. اما بسیاری از آنها ترجیح می‌دهند که یادگیری شان به کمک استاد جهت دهی و ارزیابی شود. این تعامل می‌تواند در جامعه کاوش با بهره‌گیری از فعالیت‌های هم‌زمان متنوع مبتنی بر شبکه صورت پذیرد. این محیط‌ها به طور ویژه‌ای غنی‌اند و برای یادگیرندگان امکان یادگیری مهارت‌های اجتماعی، یادگیری محتوا به صورت مشارکتی و توسعه روابط میان فردی بین شرکت کنندگان را فراهم می‌کنند. ابزارهای مشترکی که در این حالت استفاده می‌شود، شامل آموزش‌های خصوصی به کمک رایانه، تمرین‌ها و شبیه سازی‌ها می‌شوند. کلاس‌های جمعی مبتنی بر وب که در آن آرا مختلف شنیده می‌شود، می‌تواند تجارب علمی دانشجویان و اساتید را کامل می‌کنند و ابزارهای کاوش و بازیابی دقیق در حال تبدیل شدن به ابزارهای رایجی برای یادگیری اجتماعی‌اند. بر این مبنا، مبتنی بر اسناد و روش تئوری زمینه‌ای و با توجه به مفاهیم، مقوله‌ها و اصول اساسی کار با شبکه‌های اجتماعی در نظام تدریس اساتید و با بهره‌گیری از مفاهیم تدریس مؤثر در این شبکه‌ها موانع و راهبردهای زیر حاصل گردید.

- موانع نبود امکانات فنی و ساختارهای فناوری مناسب که یکی از مهمترین موانع برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب است. زیرا نه تنها شرایط فنی متفاوت از سایر کاربری‌ها مورد نیاز است بلکه شیوه به کارگیری این شبکه‌ها با میزان امکانات فنی موجود وابسته است. به عنوان مثال، پهنای محدود باند یا سرعت پایین اینترنت می‌تواند ویژگی اصلی و منحصر به فرد این شبکه‌ها را که تعامل پویا و دو سویه است، خدشه دار نماید. این نتایج با یافته‌های به دست آمده در پژوهش‌های رضایی راد (2012 Rezaei rad)، هانگ و یین (2010 Hung & Yuen)،

آرتور، آدومانا و ییوا (Arthur, Adu-Manu & Yeboah, 2013) همسو است. در همین راستا، آرتور و همکاران (2013) بیان می‌کنند عواملی همچون سیاست‌های قانونی، سطح اعتماد، فرهنگ، ساختارهای فناوری، اشتراک زبانی و احساس خود کارآمدی مهمترین عوامل در میزان به کارگیری شبکه‌های اجتماعی توسط افراد است که از عوامل فوق ساختارهای فناوری با مؤلفه‌های به دست آمده در این پژوهش همسو است.

- مانع عدم زیر ساخت‌های آموزشی نیز از جمله مهمترین موانعی است که در استفاده بهینه از شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب وجود دارد. وجود برنامه منسجم آموزشی، امکان زمان بندی مناسب فرایندهای تدریس و شیوه‌های ارزشیابی مشخص و مدون می‌تواند به اساتید کمک کند تا به شیوه‌ای مؤثر تر به تدریس در کلاس مجازی بپردازند.

- مانع شناخت ناکافی اساتید که در واقع نگرش‌ها و مقاوت‌های گسترده‌ای را در جهان برای به کار گیری شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب ایجاد نموده است. کاهش این مقاوت‌ها و ایجاد نگرش مثبت می‌تواند به به کارگیری صحیح شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب در تدریس کمک نماید. این نتایج با یافته‌های رابلیر و مک دانیل (2010 Roblyer & Mcdaniel) همسویی دارد.

مبتنی بر این موانع و در راستای استفاده بهینه از این شبکه‌ها در آموزش عالی صاحب نظران راهبردهای متعددی را مطرح نموده‌اند که در نتیجه تحلیل اسناد به شیوه نظریه زمینه‌ای مهمترین این راهبردها به شرح زیر است:

راهبرد اول: آموزش تفکر منطقی به اساتید

قابلیت‌های منحصر به فردی که در آموزش مبتنی بر وب وجود دارد نه از خود وب، بلکه از شیوه‌های خلاق آموزشی مربوط به آن نشأت می‌گیرد. اساتید باید وب را نه تنها به منزله رسانه‌ای جدید برای ارائه آموزش از طریق شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب، بلکه به مثابه نوعی همکاری و مشارکت بین پارادایم جدید آموزش و فناوری جدید در نظر گیرند که زمینه بالقوه‌ای را برای تغییرات بنیادی در روش تدریس و یادگیری ایجاد می‌کند. مربیان و دیگر اعضای تیم طراحی دوره آموزش از طریق شبکه‌های

دانشجویان و برنامه درسی پاسخ دهند. این نتایج با یافته‌های جونز، بلاکی، فیتس گیبون و چيو (Jones , 2010 Blackey, Fitzgibbon & Chew) هم‌خوانی دارد. آنها اظهار می‌دارند که عدم توانایی مربیان و اساتید در استفاده از نرم افزارهای شبکه‌های اجتماعی یکی از چالش‌هایی است که بر استفاده آنها از این شبکه‌ها تأثیر می‌گذارد. نکته‌ای که باید مورد ملاحظه قرار گیرد، بحث تفاوت‌های فرهنگی ایران با جوامع دیگر در استفاده از شبکه اجتماعی در آموزش است. در برنامه‌های درسی آموزش عالی، در کنار توسعه علمی و پژوهشی باید به باورها و فرهنگ جامعه نیز توجه داشت و هر نوع دانش، در بستر فرهنگی و اجتماعی و با توجه به موقعیت و بافت مخصوص به خودش تدوین گردد. یعنی در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی برای استفاده از شبکه اجتماعی، ضمن استفاده از طرح‌ها و چارچوب‌های کشورهای دیگر، به تفاوت‌های فرهنگی کشور خود نیز در بخش اصول، اهداف، محتوا و روش‌ها، جهت کاربردی شدن این شبکه‌ها در زمینه آموزشی توجه داشت.

منابع

Ajjan, H. Hartshorne, R (2008). Investigating Faculty Decisions to Adopt Web 2.0 Technologies: Theory and Empirical Tests. *Internet and Higher Education* 11, 71-80.

Anonymous, A (2007): 2020 system. Retrieved December 6, 2007 from. <http://www.2020systems.com/internet-ad-glossary-r-z.html>.

Arthur, J. K, Adu-Manu K. S , Yeboah C (2013). A conceptual framework for the Adoption of Social Network Technologies (SNTs) in Teaching – case of Ghana. *IJCSI International Journal of Computer Science Issues*, Vol. 10, Issue 5, No 2 .

Bates, A.W (1997). Restructuring the university for technological. [on-line] Available: <http://bates.cstudies.ubs.ca/Carnegie/Carnegie.html>. [4 feb.2006]

Bersin, J 2008. Social Networking and Corporate Learning // *Certification Magazine*. – MediaTec Publishing Inc– No. 10(10). – P. 14–14 .

اجتماعی مبتنی بر وب باید تلاش کنند تا محیط‌های یادگیری که از ویژگی‌های موجود در رایانه‌ها و وب استفاده می‌کنند را ایجاد کرده، بدین وسیله یادگیری فعال را که ریشه در کنترل دانشجو دارد و به شکل مؤثری می‌تواند منجر به ایجاد مهارت‌های تفکر انتقادی و سطح بالا شود، ارتقا دهند و بر تحمل بیشتر در برابر ابهام بر انعطاف پذیری شناختی تأکید کنند.

راهبرد دوم: آموزش شیوه‌های تعامل پیچیده به اساتید

تعامل، امکان انجام دادن کارها و وظایف گوناگون در فعالیت‌های آموزشی را فراهم می‌کند. این فعالیت‌ها عبارتند از کنترل و نظارت یادگیرنده، تسهیل انطباق و سازگاری برنامه بر مبنای درون‌داد یادگیرنده، شکل‌های گوناگون مشارکت و ارتباطات، تمرین و عمل به منزله وسیله‌ای کمکی برای یادگیری معنادار. از این رو، وجود تعامل برای ایجاد جوامع یادگیری در نظام آموزش عالی از سوی اساتید اساسی و بنیادی است. نتایج این مطالعه با یافته‌های دنیس (Dennis, 2007)، گوداینگ، لوک و برون (Gooding, Locke & Brown, 2007) و ساندارس (Sandars, 2007) که بیان می‌کنند که تکنولوژی‌های ارتباطی همچون شبکه اجتماعی، نقش مهمی را در ایجاد تعامل و ارتباط متقابل بین افراد ایجاد می‌کنند، همسویی دارد. استفاده از مسائلی که دانشجویان را ملزم کند تا محتوای دوره را درک و سپس آنها را دستکاری کنند، ایجاد فرصت‌هایی برای برقراری سطوح بالاتر تعامل بین دانشجو – دانشجو و مربی – دانشجو، ادغام و تلفیق ارزیابی تکوینی در کل دوره از مهمترین مهارت‌هایی است که در برنامه درسی آموزش اساتید باید در نظر گرفته شود.

راهبرد سوم: آموزش مهارت‌های فنی به اساتید

چالشی که اساتید و طراحان آموزشی به هنگام کار در زمینه یادگیری از طریق شبکه‌های اجتماعی مبتنی با آن روبه‌رو می‌شوند این موضوع است که مهارت‌های فنی لازم برای استفاده از این شبکه‌ها را ندارند. از این رو، اساتید باید بیاموزند تا مهارت‌هایشان را به گونه‌ای توسعه دهند تا با تولید مجموعه‌ای از فعالیت‌های یادگیری از طریق شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب که قابل سازگار شدن با نیازهای گوناگون دانشجویان است، بتوانند به نیازهای

Lenhart, A, Madden, m (2007). Teens, privacy & online social networks: how teens manage their online identities and personal information in the age of MySpace Washington, DC: Pew internet & American Life project .

Lincoln, Y. S, Guba, E. G (1985). Naturalistic inquiry. Beverly Hills, CA: Sage.

Mertens, D. M (2005). Research and evaluation in education and psychology. Sage Publications: Thousand Oaks, London, New Delhi.

Moore, G.C, Benbasat, I (1991). Development of an Instrument to Measure the Perceptions of Adopting an Information Technology Innovation. Information Systems Research, 2(3): p. 192-222.

Murray, C (2008). Schools and social networking: Fear or education? Synergy, 6(1), 8-12.

Newman, W. L (1997). Social research methods: qualitative and quantitative approaches. USA: Allen & Bacon.

Ofcom (2008). Social Networking. A quantitative and qualitative research report into attitudes, behaviours and use. Ofcom. Office of Communication . UK. http://www.ofcom.org.uk/advice/media_literacy/medlitpub/medlitpubrss/socialnetworking/report.pdf

Pernsky, M (2001) digital game-based learning. New York: McGraw-Hill.

Pernsky, M (2009) -From Digital Immigrants and Digital Natives to Digital Wisdom H. Sapiens Digital

Pettenati M.C, Ranieri, M (2006). dal se alle reti: nuove pratiche di social networking per la collaborazione in rete . in bonaiuti/ G.(2006). Learning 2/. Erickson: trento. Proceeding. 2006.

Rezaei rad Mojtaba,(2012), Identifying the success factors in e-learning programs, Journal of Research in curriculum planning, Vol 9.No 6, pp106-115 [Persian.]

Roblyer M. D, Mcdanie, I M(2010). Webb, Marsena. Herman, James. Witty, Vince James. Finding on facebook in higher education: A comparison of college faculty and student uses and perceptions of social networking sites, 134-14 .

Boyd, D.M, Ellison , N.B (2008). social networking sites: Definition, history, and scholarship. Journal of computer- mediated communication, 13,210-230.

Ellison, N B, steinfeld , lampe , c(2007). The benefits of face book” friends:” social capital and college students use of online social network sites . Journal of computer – mediated communication, 12(4) 1143-1168.

Dennis ,K (2007). Technologies of civil society: communication, participation and mobilization, innovation, 20(1), 19-35.

Garrison, D. R , Anderson .T (2004). E-learning in the 21st century ,

Translator : Mohammad Attaran, Tehran: minstitute of Technological

Development smart schools. [Persian.]

Glaser, B. G, Strauss, A (1967). The discovery of grounded theory.

Gooding, L, Locke, A, Brown, S. (2007). social Networking technology: place and identity in mediated communities, journal of community applied social psychology 17, 463-476.

Goulding, C (2002). Grounded theory: A practical guide for management, business and market researchers. London: Sage.

Holcom ,b , Lori ,B , Brady, Kevin,P , Smit, Bethany V (2010). The emergence of education networking: can non- commercial, education- based social networking sites really address the privacy and safety concerns of educators. Vol.6,No.2.

Hung ,H.T, Yuen ,S (2010). Educational use of social networking technology in Higher education. Teaching in Higher Education, 15(6), 703-714.

Jalal, A, Zaidieh ,Y(2012). The Use of Social Networking in Education: Challenges and Opportunities, World of Computer Science and Information Technology Journal (WCSIT) ISSN: 2221-0741 Vol. 2, No. 1, 18-21.

Jones , N ,Blackey, H, Fitzgibbon , K , Chew ,E(2010). Get out of MySpace! Computers & Education, 54(2010), 776-782.

Laurillard , D (2003) Rethinking university teaching :a frame work for the effective use of educational technology .London: Routledge.

Sandars, j (2007). The use of new technology to facilitate learning through personal Networks, work Based learning in primary care, 5,5-11.

Selwyn, N (2008). Web 2.0 applications as alternative environments forinformal learning - a critical review, in OECD-KERIS expert meeting. Alternative learning environments in practice: using ICT to changeimpact and outcomes.

Sharepor Mahmoud ,(2007). role of social networks in reproducing educational inequality, Education Quarterly, vol23. No.3[Persian.]

Shin, S, Lim, K (2009). The effects of different instructor facilitation approaches on students'interactions during asynchronous online discussions, Computer & Education, 53, 759-760.

Sylvester, D. E, McGlynn, A. J (2009). The Digital Divide, Political Participation, and Place. Social Science Computer Review, 28 (1), pp.64-74.

Taylor, P, Keeter, S (2010). MILLENNIALS: A Portrait of Generation Next. Confident. Connected. Open to Change. Pew Research Center. <http://pewsocialtrends.org/assets/pdf/millennials-confident-connected-open-to-change.pdf>

The Horizon report (2007):EDUCAUSE learning initiative. Retrieved December 6, 2007 from <http://www.nmc.org/pdf/2007-horizon-Report.pdf>

Thompson, R.L, Higgins, C.A (1991). Personal Computing: Toward aConceptual Model of Utilization. MIS Quarterly, 15(1): p. 125-

Tiffany , A. Pempek, Yevdokiya A. Yermolayeva, Sandra I. Calvert (2009): College student's social networking experiences on face book. Journal of Applied Developmental psychology 30, 227-238.

Wildbit (2005). Social Networks Research Report. Wildbit. <http://tidbit.wildbit.com>

Vara ,V 2007.face book open its pages as a way to fuel growth. Wall street journal .may 21:<http://online.wsj.com/article/SB117971397890009177.html> .